

## • اعتبار مجلس بیع یا مجلس زوال اکراه در سقوط خيار مجلس بیع اکراهی

### • مقدمه

• مرحوم شیخ انصاری ره در مواجهه با سوال فقهیه "جایگاه اکراه در سقوط خيار مجلس" به این نکته پی میبرد که این مسئله در واقع سه مسئله می باشد. در واقع باید سه سوال پاسخ داده شود تا جوانب پاسخ به سوال اصلی مشخص گردد. اینکه یک فقیه چگونه پی میبرد که چند مسئله وجود دارد به آن جا بر میگردد که مشکلات یا عویسه های مسئله با هم مختلف می باشد. به عبارتی وقتی مسئله اصلی تبدیل به چند سوال کوچکتر می شود، اگر هر کدام از این سوالات نوع خاصی از مشکل را دارد که با سوالات دیگر متفاوت است یا اینکه جواب هر سوال مترتب بر سوال دیگر است در اینجا یک فقیه متبحر مانند شیخ انصاری ره، هر سوال را به یک مسئله جداگانه تبدیل می کند و جداگانه به حل آن میپردازد.

### • محل نزاع

○ مسئله این است که وقتی در دو مسئله قبل قائل شدیم که اکراه در سقوط خيار اعتبار ندارد سوالی پیش می آید که وقتی اکراه به پایان رسید، سقوط خيار مجلس چه زمانی اتفاق می افتد. آیا باید مسقطات دیگر بیاید و خيار را ساقط کند یا مجلس زوال اکراه در حکم مجلس بیع می شود یا اینکه خيار خودبه خود بعد از زمانی اسقاط می شود.

### • اقوال

#### • قول ۱: وحدت حکم مجلس زوال اکراه با مجلس بیع

• آن طور که نقل شده شیخ طوسی و عده ای از فقها قائل به این قول می باشند

#### • دلیل: عدم صدق افتراق در فرض اکراه

- مقدمه ۱: در فرض اکراه، افتراق حاصل نشده است
- لازمه این کلام این است که هر اتفاقی که در زمان اکراه افتاده است کالعدم می باشد
- استاد عشایری: دلیلش میتواند همان دلیلی باشد که در مسئله "سقوط خيار مجلس به سبب افتراق در فرض منع تخایر" گفته شده باشد.
- مقدمه ۲: هر کجا که افتراق صدق کند، خيار مجلس ساقط میشود
- مقدمه ۳: افتراق بعد از زوال اکراه صدق می کند
- نتیجه: مجلس زوال همان مجلس افتراق و سقوط خيار مجلس میباشد

### اشکال: صدق یفتراقا در افتراق اکراهی

- با توجه به اینکه این مبنا را شیخ انصاری مفصلا رد کرده بود ، لذا اینجا فقط مدعی را ذکر می فرمایند که افتراق ولو با اکراه حاصل شده است

### • قول ۲: سقوط خیار مجلس بعد از گذشت زمانی از زوال اکراه

- علامه در تذکره قائل به این قول شده است

### • مقدمات

#### ○ مقدمه ۱: رفع حکمی اعتباریت افتراق در افتراق اکراهی

- باید در "اعتبار افتراق اکراهی در سقوط خیار مجلس" قائل به این شده باشیم که حکم افتراق اکراهی به وسیله حدیث رفع یا صحیحه فضیل یا دلیل دیگر برداشته شده است ولی افتراق موضوعا حاصل شده است.

#### ○ مقدمه ۲: عدم دلیل بر جعل مجلس زوال به منزله مجلس بیع

- روایتی بر اینکه مجلس زوال در حکم مجلس بیع است وجود ندارد

### • دلیل: قدر متیقن از حق متبایعین

- مقدمه ۱: خیار مجلس حق متبایعین میباشد
- مقدمه ۲: در فرض اکراه این حق ضایع شده و باید جبران گردد
- نتیجه: قدر متیقن جبران این حق، این است که قائل به فور بشویم و مدت زمانی بعد از زوال اکراه به متبایعین فرصت اعمال خیار بدهیم

### • قول ۳: بقای خیار مجلس تا حدوث مسقطات دیگر

### • مقدمات

#### ○ مقدمه ۱: رفع حکمی اعتباریت افتراق در افتراق اکراهی

- باید در "اعتبار افتراق اکراهی در سقوط خیار مجلس" قائل به این شده باشیم که حکم افتراق اکراهی به وسیله حدیث رفع یا صحیحه فضیل یا دلیل دیگر برداشته شده است ولی افتراق موضوعا حاصل شده است.

#### ○ مقدمه ۲: عدم دلیل بر جعل مجلس زوال به منزله مجلس بیع

- روایتی بر اینکه مجلس زوال در حکم مجلس بیع است وجود ندارد

### • دلیل: استصحاب خیار

- حکم خیار برای متعاقدين ثابت است، شک در سقوط خیار بعد از زوال اکراه داریم، بنابراین خیار مجلس را استصحاب می کنیم

## • نتیجه گیری

• شیخ انصاری ره قول اول را که نپذیرفت ولی در متن کتاب صراحتاً نفرمود که قول دوم را می پذیرد یا قول سوم.

## • تطبیق رفع اکراه

### ○ مسأله

- لو زال الإكراه ، فالمحكى عن الشيخ وجماعه : امتداد الخيار بامتداد مجلس الزوال. ولعله (محكى) لأن الافتراق الحاصل بينهما في حال الإكراه كالمعدوم ، فكأنهما بعدُ {افتراق و زوال} مجتمعان في مجلس العقد، فالخيار باقٍ.
- وفيه (نظريه شيخ): أن الهيئة الاجتماعية الحاصلة حين العقد قد ارتفعت حساً، غاية الأمر عدم ارتفاع حكمها (هيئت اجتماعيه) وهو (حكم) الخيار بسبب الإكراه ، ولم يجعل مجلس زوال الإكراه بمنزلة مجلس العقد. {في روايه اخرى}
- والحاصل : أن الباقي بحكم الشرع هو الخيار ، لا مجلس العقد ، فالنص ساكتٌ عن غاية هذا الخيار {الخيار الباقي حكماً} ، فلا بدّ إمّا من القول بالفور كما عن التذكرة ولعله لأنّه المقدار الثابت يقيناً لاستدراك حق المتبايعين – وإمّا من القول بالتراخي إلى أن يحصل المسقطات ، لاستصحاب الخيار. والوجهان جاريان في كلّ خيارٍ لم يظهر حاله (كل خيار) من الأدلّة.

○